

درس سه فارسی رازی و ساخت بیمارستان

Sarehkazemi.teacher

معنی کلمات

گرما به: حمام

طیب: پزشک

خونسردی: کنایه از آرامش

بلند آوازه: معروف و مشهور

شوق: علاقه

معنی لغات و کلمه های شعر بخش بخوان و حفظ کن

خرد: شعور و فهم و عقل

کزین: که از این

اندیشه: فکر، دانش

دلگشای: شادی بخش، خوشایند

هر دو سرای: دنیا و آخرت

گزند: آسیب

ازیرا: از برای این، از این جهت

بر: پیش، نزد

برنا: جوان

درست و نادرست

۱-

(درست)

۲-

(نادرست)

۳-

(درست)

-۴

(درست)

-۵

(درست)

درک مطلب درس

۱- زیرا می‌خواست بدانند که کدام نقطه از شهر هوای پاکیزه‌تری دارد و محل مناسبی برای احداث بیمارستان است

۲- محلی که هوای پاکیزه‌تری داشته باشد

۳- با خواندن کتاب‌های جدید و یادگیری و شرکت در کلاس درس استادان و گوش دادن با دقت به حرف‌های اساتید

۴- به فکر خودش نبود بلکه می‌خواست کار درست را انجام دهد و به مصیحت مردم عمل کند

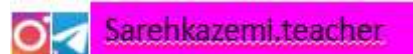
-۵

-۱

بزرگان شهر، پس از پرس‌وجو و گفت‌وگو، تصمیم گرفتند که نظر طبیب بزرگ شهر را بپرسند .

۲- گوشت‌ها را در چند نقطه‌ی شهر از شاخه‌ی درخت آویزان کردند .

۳- چند روز دیگر به شما خواهیم گفت، بهترین جا برای ساختن بیمارستان کجاست



۴- بعضی از گوشت‌ها خشکیده و بعضی فاسد و بدبو شده بودند.

۵- آن نقطه‌ی شهر که این گوشت در آن آویزان بوده است، هوای پاکیزه‌تری دارد

واژه آموزشی

برای خرید، نزد زرگر رفتم

زرگر: کسی است که با زر یا طلا، زیور آلات می سازد

صبح که به مدرسه می آمدم به رفتگر، سلام کردم

رفتگر: کسی است که کوچه و خیابان را تمیز می کند

پروردگار مهربان، به ما نعمت‌های فراوانی داده است

پروردگار: آفریننده‌ی جهان هستی

محمد زکریای رازی با رودکی هم روزگار بود

روزگار: به دوره‌ای از زمان می گویند

واژه + گر

واژه + گار

حالا تو بگو

کارگر: کسی کار می کند

آموزگار: کسی که در مدرسه به بچه ها آموزش می دهد

دادگر: کسی که عدالت دارد

پرهیزگار: کسی که کارهای حرام و بد انجام نمی دهد

آرایه مبالغه (اغراق)

گاهی اوقات شاعران و نویسندگان برای اضافه کردن تاثیر و قدرت سخن خود رویدادها را بسیار بیشتر از آنچه که هست توصیف می کنند ، به این بزرگ نمایی در بیان حوادث مبالغه (اغراق) می گویند

مثال : بزد تیغ و بنداخت از بر سرش فرو ریخت چون رودخون از برش
در این بیت شاعر در چگونگی جاری شدن خون مبالغه کرده است.

آرایه ی کنایه

در لغت به معنای پوشیده سخن گفتن است اما وقتی درباره ی مطلبی به طور غیر مستقیم صحبت می .: کنیم ، به آن کنایه می گویند . در کنایه سخن دارای دو معنی نزدیک و دور می باشد که معنی دور آن مورد نظر اصلی گوینده است .
مثال : دست از سَرَم بردار ← کنایه از : مرا رها کن
جای سوزن انداختن نبود ← کنایه از : خیلی شلوغ بودن است

اسم ساده

اسمی است که از یک بخش یا یک جزء ساخته می شود و نمی توان آن را به بخش های کوچکتر تقسیم کرد مانند درخت ، گل ، کتاب ، مادر و
-۲-

اسمی است که از دو یا چند بخش ساخته شده است و می توان آن را به بخش های کوچکتری تقسیم کرد
مثال : کتابخانه ← کتاب + خانه با ادب ← با + ادب

خاطره نویسی

خاطره نویسی یکی از انواع نوشتن است

که در آن نویسندگان رویدادهای روزانه ی خود یا شرح رویداد خاصی را که زمانی برایش اتفاق افتاده باشد یا شاهد آن بوده است بازگو می کند . هنگام گفتن یا نوشتن خاطره به همه ی نکات که خاطره را مستند می کند باید اشاره کرد .

در خاطره نویسی زبان باید ساده و صمیمی باشد تا خواننده با خاطره ارتباط بهتری برقرار کرده و بیشتر احساس نزدیکی کند .

رعایت موارد زیر در خاطره نویسی الزامی است

۱- زمانِ خاطره مشخص شود (شب ، روز ، فصل ، ماه ، ساعت

۲- مکانی را که خاطره در آن اتفاق افتاده بنویسد (نام شهر ، روستا ، مدرسه ، خانه

۳- شخصیت هایی که در خاطره حضور دارند بنویسد (دختر ، بچه ، زن و

۴- حفظ ترتیب وقایع و رویدادها (رویدادها به ترتیب نوشته شود

۵- بیان جزئیات و معرفی موضوع دقیق خاطره

۶- بهره گیری از توصیف در خاطره نویسی

۷- به کارگیری نشانه های مناسب نگارشی و درست نویسی

آرایه های ادبی مبالغه و کنایه در ابیات و عبارات زیر را معین کنید ؟

- همه داشتند از تعجب شاخ در می آوردند

- طیب با خونسردی به تکه های گوشت نگاهی انداخت

- دست بردار نبود

- خروشید و جوشید و برکند خاک ز سُمش زمین شد همه چاک چاک

به نام خداوند جان و خرد *** کزین برتر اندیشه، برنگذرد

با نام و یاد آفریدگار جان و اندیشه آغاز می کنم که اندیشه ای برتر و بهتر از این از ذهن انسان

نمی گذرد. (شروع هرکاری با نام خدا بهترین کار است).

خرد رهنمای و خرد دلگشای *** خرد، دست گیرد به هر دو سرای

عقل، راهنما و دلگشا است. عقل در هر دو جهان به انسان کمک می کند.

به دانش گرای و بدو شو بلند *** چو خواهی که از بد نیایی گزند

اگر می خواهی از بدی ها آسیب نبینی، به علم و دانش آموختن روی بیاور و با آن رشد کن.

ز نادان، بنالد دل سنگ و کوه *** ازیرا ندارد بر کس، شکوه

دل سنگ و کوه از دست آدم نادان می نالد زیرا او نزد هیچ کس بزرگی و شکوه ندارد.

توانا بود، هر که دانا بود *** ز دانش دل پیر برنا بود

هر کسی که دانا و عاقل باشد، قدرتمند و توانا است. دانش دل پیر انسان را جوان می کند.

معنی لغات شعر خرد رهنمای و خرد دلگشا:

خرد: عقل و دانش

سرای: خانه

شکوه: بزرگی و عظمت

برنا: جوان

شعر خرد رهنمای و خرد دلگشا از اشعار حکیم سخن، فردوسی بزرگ، است که اهمیت عقل و دانش را به ما یادآوری می کند.



خوانش و فهم

۱- یعنی اینکه انسان می تواند به وسیله کسب دانش، به مقام های بلند مرتبه ای (هم در دنیا و هم در آخرت، هم در بین مردم و هم در بین بزرگان، هم از نظر اخلاقی و ...) برسد.

۲- برای اینکه یک مکث کرده و ادامه شعر را بخوانیم. در واقع کلمه خرد را به دست متصل نکنیم.